

احضار نویسندگان و هنرمندان؛ معمایی که هنوز حل نشده...

سپس لحن هشداردهنده‌ای به کار می‌گرفت و نسبت‌هایی نظیر کارگزار خارجی، خودباخته، ضدانقلاب، سرسپرده رژیم گذشته را متوجه احضار شده می‌کرد. برخی از احضارشدگان که طلب سند و مدرک می‌کردند، جواب می‌شنیدند در موقع لزوم سند هم ارائه خواهد شد.

۶. بسته به جایگاه اجتماعی و روحیات شخصی فرد احضار شده، لحن هشدار دادن‌ها تندتر و تندتر می‌شد و گاه در مورد برخی افراد به آنجا می‌کشید که: این آخرین باری است که به شما اخطار می‌دهیم.

۷. طول این جلسات به ندرت از ۹۰ دقیقه بیشتر می‌شد. ظاهراً برنامه این بود که طول این جلسات از حد معینی (که لابد برای خرد کردن اعصاب احضار شده کافی بود) تجاوز نکند.

۸. موضوع این احضارها به روزنامه‌ها کشید. پاره‌ای از محافل و شخصیت‌های اجتماعی و قضایی به نحوه این احضارها اعتراض کردند. برخی از احضارشدگان با مطبوعات داخلی و برخی از رادیوهای بیگانه مصاحبه کردند، اما اکثریت آنها ترجیح دادند خاموش بمانند تا مشخص شود این برنامه را چه کسی سازماندهی کرده و هدف از اجرای آن چیست. (که البته هنوز این ابهامات باقی است).

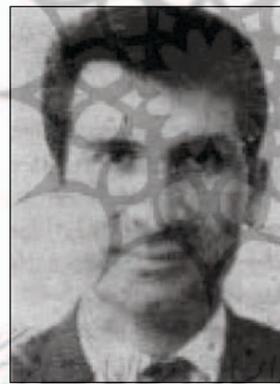
۹. مقامات مختلف (از جمله مسوولان نیروی انتظامی) در مورد این احضار؛ دیر هنگام لب به سخن گشودند و سخنان متناقضی ابراز کردند که این فرض را تقویت می‌کند احضارهای مورد بحث ربطی به نهادها و سازمان‌های رسمی ندارد.

۱۰. برخی گفته‌ها حاکی است این افراد براساس نام‌هایی که در دفتر تلفن سپامک

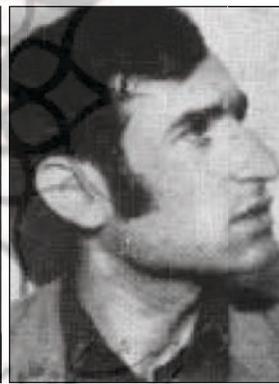
از احضارشدگان که نام او در دفتر مجله محفوظ است و با شیوه بازجویی‌های امنیتی زمان شاه و دوره حاضر آشنا است، می‌گوید آنها مطلقاً با قواعد پرس و جویی که لازمه کار بازجویی (خواه امنیتی و خواه غیرامنیتی) است، آشنا نبودند. به ضرس قاطع می‌گویم آنان مأموران اطلاعاتی (از جمله وزارت اطلاعات) نبودند، زیرا اندکی از پختگی و مهارت آنها را نداشتند. قاضی و ضابط دادگستری هم نبودند، زیرا با قواعد شغلی این

بهمن امسال، زمانی که ایران در معرض تهدید مستقیم رییس جمهور جنگ طلب آمریکا قرار گرفته بود، رویدادی حیرت‌انگیز و در عین حال جنجال‌آفرین در کشور رخ داد. این رویداد، احضار شماری از روزنامه‌نگاران، نویسندگان و هنرمندان بود که هنوز هم به درستی معلوم نیست با چه هدفی و از جانب چه مرجعی ساماندهی شده بود.

آنچه می‌توان در مورد این حضارها با قطعیت نسبی ابراز کرد، این است:



محمد بلوری



اسماعیل جمشیدی



نعمت‌الله جهانبانی

گروه هم کمترین آشنایی نداشتند.
۵. به گفته احضارشدگان یکی از این دو، پشت میزی کوچک می‌نشست، ورقه‌ای جلوی خود می‌گذاشت، نام، آدرس، شغل و تلفن احضار شده را می‌پرسید. فرد دیگری روی صندلی کنار او ساکت می‌نشست و پس از آن که سؤال و جواب‌های مقدماتی انجام می‌شد، به سخن می‌آمد و از آن پس به ظاهر، او همه کاره بود. با پرسش‌هایی هشداردهنده شروع می‌کرد، اطلاعاتی را که کمابیش همگان در مورد فرد احضار شده می‌دانند، به عنوان «اطلاعات غافلگیرکننده» و با لحنی که به اصطلاح دل‌طرف را خالی کند، عنوان می‌کرد.

۱. افراد زیادی از این گروه با تلفن و شمار کمتری از آنها با احضاریه‌ای که سربرگ اداره اماکن عمومی نیروی انتظامی را داشت، به این اداره فرا خوانده شده بودند.

۲. طبق اظهارات عده‌ای از احضارشدگان، حتی افسرنگهبان اداره اماکن نمی‌دانست این افراد را باید به کجا راهنمایی کند.

۳. احضارشدگان پس از مدتی به اتاقی در طبقه زیرین اداره اماکن هدایت می‌شدند.

۴. دو نفر، از آنان سوالاتی می‌کردند که نه به کسب اطلاع (با فرض این که احضارشدگان به عنوان مطلع فراخوانده شده‌اند) شباهت داشت و نه به بازجویی. یکی

از احضارشدگان گفت: داریوش شایگان کسی است که حلقه واسط مناظرات مرحوم علامه طباطبایی و فیلسوف معروف فرانسوی هانری کربن بوده، هیچ کتابخانه معروفی و یا مرکز شرق شناسی و مطالعات خاورمیانه ای در جهان وجود ندارد که کتاب های آقای علی دهباشی در آن دیده نشود.

در این میان، نیروی انتظامی که تا این هنگام سکوت پیشه کرده بود، سرانجام به سخن آمد و در مقابل مخالفت های ابراز شده با احضار هنرمندان، نویسندگان و روزنامه نگاران، توقف احضارها را تکذیب کرد. معاون روابط عمومی نیروی انتظامی در مصاحبه ای تصریح کرد براساس برنامه ای که نیروی انتظامی دارد، احضارها تا زمانی که توافقی حاصل نشود، ادامه خواهد یافت. وی بدون اینکه از ماهیت و یا جزئیات این توافق پرده بردارد، درباره علت این احضارها مطلبی گفت که تعجب عده زیادی را برانگیخت، وی اظهار

فعالیت مطبوعاتی دیگری نداشته ام، اما بازجویان بدون ارائه کردن دلیلی، اظهارات او را نپذیرفتند.

در همین حال، برخی از احضارشدگان نیز از بازجویان رفتاری مناسب دیده اند. آیدین آغداشلو هنرمند معروف، در مصاحبه ای تأکید کرد که بازجویان با وی رفتار مؤدبانه ای داشتند و می خواستند از مواضعش درباره حوادث اخیر ایران آگاهی یابند.

اما این حادثه ظاهراً کوچک داخلی، وقتی که دبیر اول سازمان گزارشگران بدون مرز با نوشتن نامه ای از سید محمدخاتمی خواست که به این احضارها پایان دهد، صورتی بین المللی یافت. روبرت منار در این نامه، احضارها را دخالت در زندگی خصوصی احضار شوندهگان توصیف و از رییس جمهور ایران درخواست کرد که با استفاده از اختیاراتش به آن خاتمه دهد. پس از این نامه، کم کم چهره های سیاسی و هواداران دولت نیز

پورزند (که هم اکنون محاکمه وی جریان دارد) وجود داشته، احضار شده اند.

۱۱. در نهایت این احضارها همان گونه که بی مقدمه (و احتمالاً بی برنامه) شروع شده بود، ناگهان هم قطع شد. آنچه مانده یک سلسله تبعات منفی از اقدامی بود که ناسنجیده و بی مورد به نظرمی رسد (حداقل در مورد تعداد قابل توجهی از احضارشدگان). این تبعات شامل دویخش است:

۱) اثری منفی که در محافل داخل و خارج بر جا گذاشت (۲) رنجش و دل چرکینی عده ای از اهل قلم و اندیشه این کشور که عده ای از آنها اهل هیچ دار و دسته سیاسی هم نیستند و با هیچ محفلی هم سر و سری ندارند. در زیر روند این احضارها و بازتاب های آن در مطبوعات و محافل داخلی را به همراه برخی اظهارنظرها مرور می کنیم.

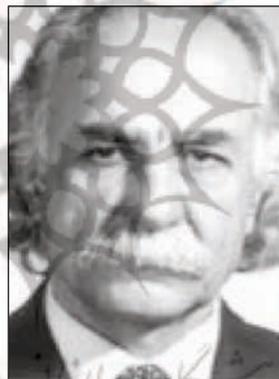
اداره اماکن نیروی انتظامی - که نام کامل آن اداره نظارت بر اماکن عمومی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی است - در ساختمان چند طبقه و در خیابان مطهری نبش خیابان میرعماد واقع شده و به طور معمول تخلفات انتظامی صنوف (مانند عدم رعایت شئونات اسلامی و...) را رسیدگی می کند. همان گونه که ذکر شد، (پس از پاسخ دادن به سوالاتی درباره نحوه زندگی، خانواده، ارتباطات با دیگر روشنفکران داخل) با انتشار اخبار مربوط به احضار نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان به این مرکز، تلاش رسانه های فارسی زبان خارج از کشور برای یافتن چهره های احضار شده و مصاحبه با ایشان شدت یافت و گمانه زنی ها برای تحلیل علت این تهدید جدی علیه نویسندگان و هنرمندان دامنه دار شد و در همین حال، احمد بشیری حقوق دان و نویسنده مطبوعات در مصاحبه ای با رادیو آزادی رفتار بازجویان را توهین آمیز خواند و خاطر نشان کرد که بازجویان از شخصیت و سابقه احضارشدگان اطلاع چندانی نداشتند و بیش از آنکه در بازجویی هدفی خاص را دنبال کنند، قصد تکمیل اطلاعات خود را داشته اند. وی برای نمونه گفت: چندین بار برای بازجویان توضیح دادم که به جز نگارش مقالاتی برای ماهنامه گزارش،



غلامحسین صالحیار



محمد اسماعیل حیدر علی (حیدری)



احمد بشیری

کرد: تا آنجا که من اطلاع دارم، دعوت شدگان کسانی هستند که به این قضیه - وظایف نیروی انتظامی درباره وضعیت اماکن - مرتبط هستند، آنها یا صاحب نشریه هستند و یا صاحب امتیازی که امتیاز خود را به کسی دیگر واگذار کرده اند و یا آنکه در نشریه ای فعالیت دارند. نیروی انتظامی در احضار افراد هم به نحوی در چهارچوب رسیدگی به وضعیت اماکن عمل می کند.

وی در این مصاحبه ها، به این سؤال که آیا احضارهای اخیر به دستور دادگستری صورت گرفته است، پاسخی نداد. پس از اظهارات این نام، ناصر زرافشان

جرأت کردند سکوت را بشکنند و درباره این احضارها، به گمانه زنی، نقد و گاه اعتراض بپردازند؛ مسجد جامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نامه ای به رییس جمهور از احضار هنرمندان و نویسندگان و روزنامه نگاران دارای پیامدهای منفی و پرمخاطره ای برای نظام فرهنگی و امنیت ملی خواهد بود و از این رو نگرانی های جدی پدید آورده است.

آقای هادی زاده نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو جناح اکثریت مجلس نیز در مصاحبه ای در جمع خبرنگاران پارلمانی از این گونه احضارها ابراز تأسف کرد و درباره دوتن

حقوق دان و وکیل خانواده های مقتولان زنجیره ای که در پی احضار تلفنی به اداره اماکن مراجعه کرده ولی هیچ یک از بازجویان را ملاقات نکرده بود، در مصاحبه ای ادعای نیروی انتظامی را خالی از وجه خواند و گفت: مضحک تر از این نمی توان از واقعیت فرار

اظهارات در حالی بیان شد که یکی از مقامات انتظامی که - نخواست نامش فاش شود- در گفت و گو با خبرنگار ماهنامه گزارش گفت: به دلیل مشخص بودن محدوده عملیاتی، ازدحام جمعیت و فشردگی کار در کلانتری ها عملاً امکان احضار نویسندگان و هنرمندان به این

اماکن احضار شده اند. در این باره یکی از اعضای دادگاه انقلاب اسلامی به خبرنگار ما گفت: تا آنجا که من می دانم، دادگاه انقلاب اسلامی هیچ نقشی در انجام این احضارها نداشته است. وی توضیح داد: در صورتی که قاضی فرد را برای بازجویی و یا تحقیق دعوت کند، نام شعبه، عنوان فرد- اعم از اینکه شاهد یا مطلع و یا متهم باشد- و موضوع تحقیق یا بازجویی بر روی برگه ارسالی نوشته می شود و این در حالی است که معمولاً برای احضار یا دعوت افراد از سربرگ قوه قضاییه استفاده می شود. این مقام هم چنین گفت: در این صورت، قاضی و مسؤولان شعبه احضارکننده در مورد علت احضار و موضوع آن به مقامات انتظامی قوه قضاییه پاسخ گو هستند. عضو دادگاه انقلاب اسلامی هم چنین اظهار از طریق تماس تلفنی را مغایر با اصول آیین دادرسی کیفری دانست و گفت: اینکه یک نفر با سربرگ نیروی انتظامی بدون مشخص شدن نام واحد و بدون ذکر علت احضار و یا موضوع آن فراخوانده شود تا کنون سابقه نداشته و اگر برخی مقامات نیروی انتظامی مدعی هستند که مرجع احضارکننده، در اصل مقام قضایی بوده است، چرا این مقام قضایی را معرفی نمی کنند؟

وی عدم معرفی مقام قضایی احضارکننده را (به دلایل امنیتی) رد کرد و افزود: این ادعا که به خاطر حساسیت و یا وجود اطلاعات محرمانه در پرونده، مقام قضایی معرفی نشود نیز ادعایی نادرست است، چرا که با معرفی مقام قضایی- که لزوماً نام قاضی احضارکننده و شعبه دادگاه است- هیچ اطلاعات طبقه بندی شده ای انشاء نمی گردد.

سردار قالیباف چه می گوید؟

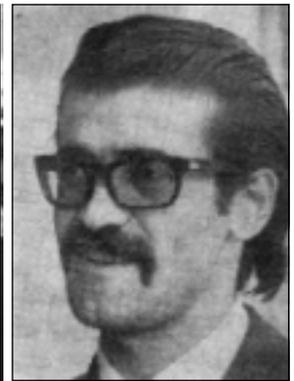
پس از این جنجال ها، سرانجام فرمانده نیروی انتظامی به سخن آمد و در یک گفت و گوی مطبوعاتی در حاشیه مراسم افتتاح اولین نمایشگاه تجهیزات پلیسی در تهران به خبرنگاران گفت که احضار افراد در رابطه با پرونده اتهامی سیامک پورزند بوده است. او اظهار داشت: آقای پورزند در تحقیقات اولیه ما افرادی را نام برده که دادگاه برای تکمیل تحقیقات و آماده کردن پرونده جهت محاکمه



ر. اعدمادی



علی دهشاهی



حسین البهامی

مراکز وجود نداشت و فرماندهان صلاح دیده اند از مکانی نه چندان شناخته شده برای این احضارها استفاده کنند. در همین حال، رضایی بآبادی دبیر شورای تأمین استان و معاون سیاسی- امنیتی استانداری تهران در گفت و گویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی از بی اطلاعی نماینده نیروی انتظامی در شورای تأمین، معاون دادگستری

کرد، وقتی آنان احساس کنندکاری خلاف مقررات صورت گرفته در توجیه آن ناگزیرند که این صحبت ها را مطرح کنند. او در مصاحبه ای با رادیو فرانسه گفت: وقتی به اداره اماکن نیروی انتظامی مراجعه کردم، متوجه شدم هیچ یک از کارکنان آن اداره، احضارکنندگان را نمی شناسند و هیچ کسی درباره این احضار به من توضیح نداده است. وی هدف خود از تمکین به این احضار را تذکر به رفتار احضارکنندگان درباره رفتار غیرقانونی شان اعلام کرد و افزود که پس از بازگشت از اداره اماکن علی رغم عدم ملاقات با بازجویان، تماس مجددی با وی گرفته نشده است.

نحوه احضارها، برخوردها

و اظهارات متناقض برخی

مسؤولان، این فرضیه را

مطرح می کند که آن

احضارها نه هدفمند بود،

و نه در چارچوب قانون

و معاون دادگاه انقلاب اسلامی نسبت به نحوه احضارها خبرداد و گفت: افراد احضار شده می توانستند به اداره اماکن مراجعه نکنند! آقای رضایی بآبادی در این گفتگو عوامل احضارکننده را معرفی کرد: هنرمندان و روزنامه نگاران نه توسط اداره اماکن، بلکه توسط واحد اطلاعاتی نیروی انتظامی به اداره

در همین حال رجبعلی مزروعی رییس انجمن صنفی روزنامه نگاران و نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی از برگزاری جلسه ای در تاریخ ۸۰/۱۱/۲۷ میان او و فرمانده نیروی انتظامی خبرداد و افزود: آنها می گویند کارشان قانونی بوده و با حکم قاضی صورت گرفته است. مزروعی هم چنین توافق برای عدم تکرار موارد مشابه را اعلام و اضافه کرد: آنها (نیروی انتظامی) مدعی هستند چون معتقدند در شأن اهل قلم نیست که به کلانتری برده شوند، یک افاق خاص در اماکن انتظامی را مناسب برای انجام این امر دیده اند. البته این

زمان و مکانی بود که اصلاً من در آن حضور نداشتم. به هر حال، تحلیل شیوه احضار و کاراکترهای به اصطلاح بازجویان نتیجه می‌دهد که احضارکنندگان مذکور کسانی‌اند که وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و حتی دادگستری را دور زده‌اند.

در همین رابطه، اکبر قاضی زاده نیز می‌گوید: حضار هنرمندان و نویسندگان به اداره اماکن اقدام مفیدی است چون روزنامه نگاران باید با نقاط تاریک جامعه هم آشنا شوند. آقای قاضی زاده سپس می‌پرسد: آیا هم اکنون که ایران در معرض تهدیدهای جهانی قرار دارد، زمان مناسبی برای رسیدگی

علاوه بر این، تحقیقات خبرنگاران نشان می‌دهد که اطلاعات ارائه شده چندان صحیح نیست. مثلاً خانم معصومه سیحون، هنرمند و مدیرگالری سیحون در مصاحبه‌ای ضمن ابراز ناخرسندی از رفتار مأموران اظهار داشت: من در فرانسه حق بیمه تأمین اجتماعی دارم و می‌توانم در آنجا زندگی کنم، اما ترجیح دادم که در ایران بمانم و به کشورم خدمت کنم. به پسر من که ساکن سوییس است، گفتم که بیاید و در ایران بماند، پس از اینکه به تهران آمد، از طرف اداره اماکن احضار شد!

آقای محمد بلوری، روزنامه نگار گفت: به من توهین کردند و بعد هم گفتند که حرفه

نیاز به گرفتن برخی توضیحات از این افراد داشت. بنابراین قاضی از نیروی انتظامی خواست که آنها را احضار کنیم اما چون این افراد اهل فرهنگ هستند، از قاضی خواستیم به جای احضار، آنها را دعوت کنیم، آن هم نه به کلانتری بلکه به محلی که انتظامی نباشد. به همین خاطر، آنها را به ساختمان مطهری - که ساختمان اماکن است - دعوت کردیم.

سردار قالیباف، با رد اظهارات برخی از احضارشدگان درباره برخورد های نامناسب بازجویان گفت: بسیاری از آنان گفته‌اند که نیروی انتظامی برخورد بدی نداشت و چند نفری هم که ادعا کرده‌اند با آنها برخورد بد شد، به این علت بوده که آنها به دعوت ما جواب مثبت ندادند، بعد هم به دروغ گفتند که با ما برخورد بدی شده است.

آقای قالیباف در ادامه همین مصاحبه، تلویحاً اظهارات خویش را نقض کرد و گفت: من با یکی از این افراد شخصاً صحبت کردم و گفتم به نقل از شما شنیده‌ایم که مأموران برخورد نامناسبی داشته‌اند یا خارج از موضوع صحبت کرده‌اند. اگر این طور بود، شما از مأموران من شکایت کنید تا ظرف ۲۴ ساعت به آن رسیدگی کنم. ایشان گفت نه نیازی نیست، مسأله‌ای بود و گذشت، گفتم در هر صورت من اظهارات شما را به عنوان گزارش شفاهی پیگیری می‌کنم.

اسامی گروهی از احضارشدگان:

نام گروهی از احضارشدگان که توانستیم به آنها دسترسی یابیم در زیر چاپ شده است. عکس عده‌ای از این گروه را در داخل گزارش مشاهده می‌فرمایید. این توضیح را نیز لازم می‌دانیم که چون موفق به تهیه عکس‌های جدیدی از برخی از بازداشت‌شدگان نشدیم، از عکس‌های آرشیوی ایشان (که مربوط به سال‌های قبل است) استفاده کردیم.

غلامحسین صالحیار - احمد بشیری - جهانگیر بلوچ - اسماعیل جمشیدی - ایرج جمشیدی - فیروز گوران - آیدین آغداشلو - بهرام بیضایی - معصومه سیحون و پسرش - علی دهباشی - شادروان محمدعلی سفری - محمداسماعیل حیدرعلی (حیدری) - نعمت‌الله جهانبانوئی - محمد بلوری - دکتر هوشنگ طالع - جمشید اسدی و همسرش - ر. اعتمادی - حسین الهامی - امیر باقری - شایگان - حسین پرتوی - ناصر زرافشان - اکبر قاضی زاده.

در اداره اماکن چه گذشت؟

اکنون این سؤال مطرح است که از میان اظهارات برخی از احضارشدگان و سردار محمدباقر قالیباف، کدامیک را باید پذیرفت؟ آیا واقعاً این احضارها با پرونده آقای سیامک پورزند که یکی از روزنامه‌ها اندکی پس از بازداشت وی خبر داد یک میلیارد دلار از خارجی‌ها گرفته تا بین روزنامه‌های دوم خرداد تقسیم کند، ارتباطی دارد؟ و آیا واقعاً احضارشدگان که به اداره اماکن مراجعه نکرده‌اند به دروغ، رفتار مأموران را بد توصیف کرده‌اند؟ یک واقعیت این است که خیلی از احضارشدگان هیچ ارتباطی با این روزنامه‌ها ندارند و همین امر موضوع را شک برانگیز می‌کند.

به زندگی خصوصی روشنفکران بوده است؟ افزون بر این، آنچه از اظهارات افراد احضار شده در مصاحبه با رسانه‌های گروهی بین‌المللی (به ویژه رادیوهای فارسی زبان) برداشت می‌شود، چنین است که به جز عده کمی، سایر احضارشدگان از رفتار نامناسب بازجویان و سردرگمی آنان رنجیده خاطر شده و مجموعه این حوادث را توهین آمیز دانسته‌اند. مثلاً آقای نعمت‌الله جهانبانوئی مدیر سابق مجله فردوسی در جایی اظهار داشت: در حالی که پس از انقلاب، انتشار مجله فردوسی متوقف شده، یکی از اصلی‌ترین سؤالات بازجویان درباره کیفیت انتشار مجدد و محتوی مجله بود که این نشان می‌دهد آنها از سوابق من اطلاع کافی نداشته‌اند.

روزنامه نگاری را برای همیشه کنار بگذار! یکی از احضارشدگان به اداره اماکن نیروی انتظامی - که خواست نامش فاش نشود - به خبرنگار ایسنا گفت: از نحوه احضار و برخورد توأم با سردرگمی مأموران رسمی اداره اماکن مشخص بود که کاملاً از این قضیه بی‌اطلاع هستند و نحوه بازجویی و مستنداتی که در بازجویی از آن بهره می‌بردند نشان می‌داد که این اشخاص نمی‌توانند از مأموران وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و حتی ضابطان دادگستری باشند.

این فرد احضار شده اضافه کرد: آنها حتی فاقد ابتدایی‌ترین اطلاعات در مورد سوابق من بودند. چنانکه برخی مسایلی را که به عنوان گناهی نابخشودنی نسبت می‌دادند، مربوط به